

سرود دل

خزان آمد جهان رنگ دگر شد ،
به مرغ کوچی آهنگ سفر شد .

سرشتش مایه ی فرسودگیهاست ،
که شاخ خشک در کام شرر شد .

به برگ زرد شبنم بستر افگند ،
به کلک ارغوان الماس زر شد .

زمستان چون سیه دل رو سفید است ،
زبیدادش جهان زیر و زبر شد .

کنون گرگ حریص تیز دندان ،
به سوهان زمستان تیزتر شد .

بیا ای هموطن زینجا گریزیم ،
کند صد پاره گرگی ار خبر شد .

بهار آید خزان خالی کند جای ،
عروس گل وطن را زیب و فر شد .

گریزد دیو زین باغِ دل آرا ،

قدح پرکن که مینا با هنر شد .

"ثنا" خواند ثنا در مقدم گل ،

لب خشکش به آب بوسه تر شد .

سرود از دل بخواند (فاریابی)

درخت گل به بلبل بال و پر شد .

باعرض ادب و حرمت

عزیز فاریابی **کانادا**

شهر وانکوور